

عنوان مقاله:

بازخوانش ساحت های هستی شناختی زیست پذیری (زیست پذیری یک "مقوله غالب از گفتمان شهری")

محل انتشار:

فصلنامه دانش شهرسازی، دوره 6، شماره 4 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

سامان ابی زاده - استادیار گروه هنر و معماری دانشگاه پیام نور تهران، ایران

مجید اکبری - دکتری برنامه ریزی شهری و کارشناس پژوهشکده چشم انداز و آینده پژوهی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

بیان مسئله: تفکیک و تصریح مرزهای مفهومی زیست‌پذیری با مفاهیم کیفیت زندگی، پایداری و رفاه به دلیل تشابهات و تفاوت های مفهومی مختلف ابهام آمیز است. اصطلاحاتی از این دست اغلب بدون تعریف یا زمینه مطالعاتی کافی استفاده می شوند. در نتیجه، این اصطلاحات به معنای واقعی هر آنچه پژوهشگران خودشان از آن ها به شناخت مفهومی رسیدند، تعریف شده و اجماع غیرممکن است. این سردرگمی با این واقعیت زیاد می شود که بسیاری از این اصطلاحات غالباً به جای یکدیگر استفاده می شوند. بنابراین بازخوانش هستی‌شناختی زیست پذیری برای جلوگیری از سردرگمی موجود پژوهشگران در تقابل و تعامل با این مفاهیم ضروریست. لذا هرگونه خلط مفهومی در ساحت های شناخت زیست پذیری می تواند در بنیان های علمی و فلسفی شناخت و نتایج تجربی‌تر سبب نوعی کژفهمی گردد. هدف: پژوهش حاضر با هدف بازخوانش هستی‌شناختی زیست پذیری در مطالعات شهری انجام گرفته است. روش: نوشتار حاضر از نوع تحقیق توسعه ای-اکتشافی است، با مدد از روش کیفی و به واسطه مرور اسناد کتابخانه ای و از طریق توصیف، تحلیل، بسط آرا، گفتمان ها و رویکردهای نظری، در پی بازخوانش ساحت های هستی‌شناختی زیست پذیری است. بنابراین، به استنباط مفاهیم چپستی و هستی‌شناختی زیست‌پذیری، با مراجعه به متون این حوزه و منابع مرتبط با آن، به دریافت مفاهیم و تحلیل آن ها می - پردازد. یافته ها: نتایج پژوهش حاضر نشان داد زیست پذیری یک فرامفهوم برای کیفیت زیست محیطی و زیرمجموعه ای از پایداری است که مستقیماً بر ابعاد فیزیکی، اقتصادی و روانی زندگی مردم تاثیر می گذارد و دربرگیرنده مجموع های از ویژگی های اکتسابی محیط است که آن را به مکانی مطلوب، مناسب و جذاب برای زندگی، کار و بازدید همه مردم تبدیل می کند. نتیجه گیری: به نظر می رسد که ماتریالیسم و مدرنیسم بر مفهوم بنیادی زیست پذیری تاثیر گذاشتند و در ادامه این مفهوم با قرار گرفتن در هسته ارزش های پساماتریالیستی به عنوان یک سیستم و جنبش ارزشی علاوه بر برآورد ساختن نیازهای مادی ساکنین (مانند امنیت، معیشت و سرپناه)، برای انتقاد و مقابله با افراط در سیاست های حاکم بر رشد شهری و نظریه کارکردگرایی مدرن استفاده شده است. از این رو، زیست پذیری به عنوان یک گفتمان متقابل از شهر "عادلانه"، "خوب" یا "حق به شهر" برای طرفداری و دفاع از طبقات فرودست که توسط گفتمان های غالب شهری به حاشیه رانده شده اند، ایجاد شده است.

کلمات کلیدی:

هستی‌شناختی، زیست‌پذیری، کیفیت زندگی، رفاه، پایداری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1684329>

